

الگوی سیاست جنایی در مواجهه با فساد سیاسی - اقتصادی نظام الیگارشی

باقر شاملو*

غلامرضا اسماعیلی آذر**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

چکیده

الیگارشی یا حاکمیت گروه اندک دارای قدرت اقتصادی، سیاسی یا قدرت اعمال نفوذ در حاکمیت دارای سابقه طولانی در حوزه اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی است. این گروه مخرب با اقدامات خود مفاسد گسترده‌ای را از طریق استخراج منابع عمومی به نفع خود بر جامعه تحمیل می‌کنند. پژوهش‌ها و آمار مراجع معتبر بین‌المللی گویای آن است که فعالیت الیگارشی‌ها نه فقط در جوامع در حال توسعه، بلکه در جوامع پیشرفته نیز در حال گسترش است. اخبار هر روزه در مورد اختلاس و دستگیری کارگزاران ارشد استانی و ملی داخل کشور نیز ضرورت دستیابی به یک سیاست جنایی متناسب در مواجهه با این پدیده مخرب را گوشزد می‌کند. با وجود پژوهش‌های ارزشمندی که در این زمینه انجام پذیرفته، پرداختن اختصاصی به مسئله الیگارشی‌ها در ساختارهای دموکراتیک و سیاست جنایی متناسب در مواجهه با آن مورد توجه خاصی قرار نگرفته است. از این رو پژوهش پیش‌رو با روش «توصیفی - تحلیلی» با تبیین چستی، چرایی و چگونگی تشکیل مهم‌ترین الگوهای نظام الیگارشی و نسبت آن با فساد سیاسی - اقتصادی در ساختارهای دموکراتیک به دنبال ارائه سیاست جنایی متناسب در مواجهه با این پدیده است. یافته‌ها بیانگر آن است نظام الیگارشی به جهت پیچیدگی و غالباً سازمان یافته، نیازمند بازنگری در سیاست جنایی تقنینی و اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در تمامی سطوح تحقیق، تعقیب و رسیدگی قضایی در کنار به کارگیری ضابطین تخصصی به همراه استفاده از سیاست جنایی مشارکتی فعال جامعه‌ای و نهادهای غیررسمی است.

کلیدواژه‌گان:

سیاست جنایی، الیگارشی، فساد سیاسی، مغول رسمی، کارت‌سازی.

* دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

b_shamloo@sbu.ac.ir

** دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد گرگان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)

gh.azari@yahoo.com



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

سیاست جنایی اصطلاحی است که در چند دهه اخیر مورد کاربرد بسیار واقع شده که دلالت بر تحول حقوق کیفری و سیاست‌گذاری‌های کیفری دارد؛ چنان‌که ادبیات و گفت‌وگوهای جدیدی را ایجاد کرده و به همین دلیل این دانش رشته جدیدی است که حوزه مطالعاتی و حقوق کیفری را توسعه داده است. در سیر تحولات مفهوم‌شناختی سیاست جنایی از تلقی سیاست جنایی به مثابه حقوق کیفری مورد نظر فون لیبست تا سیاست جنایی به مفهوم تعامل با نظام اجتماعی و توسعه فرایند پاسخ‌دهی مورد نظر فون لیبست و سیاست جنایی مبتنی بر رویکرد رفاهی مورد نظر مارک آنسل تا سیاست جنایی در مفهوم موسع خود، که برگرفته از نظریات دلماس مارتی و کریستین لازرژ است، اکنون این دانش با تحولی دیگر در دوره چهارم خود در مفهومی فرانوگرایانه (پست مدرن) هم‌زمان با تحولات و دگرگونی‌های جدید شکل گرفته است. در این رویکرد صرفاً پدیده جنایی ملاک قرار نمی‌گیرد، بلکه هر پدیده اجتماعی که ظرفیت جنایی داشته و بستر ارتکاب جرم را تشکیل دهد، در این پهنه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برای این منظور باید تحلیل پدیده‌های اجتماعی به مثابه تحلیل‌های سیستمی، فراسیستمی و شبکه‌ای مطرح شود و تحلیل‌های ساده گذشته، که صرفاً به علت تامه یا علت مکخر یا علت مکر می‌پرداختند، باید کنار نهاده شوند. همچنین در دوره فرانوگرایانه، ریسک خطر و مخاطرات متعدد در دنیای امروز به یک اصل و مقوله مهم و اجتناب‌ناپذیر بدل شده و رویکرد نوین را تشکیل داده است. به همین جهت به موازات گسترش خطر و ریسک مخاطرات باید تدابیر مناسب و مقتضی اندیشیده شود. از طرفی باید متذکر شد که سیاست‌گذاری عمومی در گذشته منحصر بر عهده دولت بود، اما در حال حاضر سیاست‌گذاری عمومی فرایندی است که توسط عناصر و نهادهای قدرت، دولت و جامعه جهت‌دهی و ختامشی یک نظام اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند.^۱ بنابراین سیاست جنایی هدفمند جهت دستیابی به اهداف خود، به ابزار کارآمدی احتیاج دارد که شامل سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی اجرایی، سیاست جنایی مشارکتی و سیاست جنایی افتراقی است.

به موازات تحولات در عرصه سیاست جنایی، دانش جرم‌شناسی نیز به‌عنوان شاخه نظری-

۱. شاملو، باقر، *سیاست جنایی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۴۰۳، صص ۴۱، ۴۳ و ۵۴.

کاربرد متحول شده است. این دانش در بُعد کاربردی خود دارای شاخه‌های متعددی است که از جمله آن می‌توان به جرم‌شناسی پیشگیری اشاره کرد که ماهیتی کنشی و غیرقهرآمیز دارد که پیش از وقوع بزهکاری به منظور تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد یا موقعیت‌های جرم‌زا تمرکز دارد.^۱ در این میان پیشگیری موقعیت‌مدار با ماهیت غیرکیفری به دنبال کاهش یا نامساعد جلوه دادن وضعیت‌های پیشاجنایی است. در واقع این نوع پیشگیری فارغ از فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد و صرفاً با تمرکز بر فرصت‌ها درصدد مدیریت اوضاع و احوال پیش از ارتکاب بزهکاری و حفاظت از آماج جرم است. از آنجا که مبارزه و پیشگیری از فسادهای کلان به‌عنوان یک چالش عمده جهانی به شمار می‌رود، تدوین‌کنندگان پیمان مبارزه با فساد مریدا (مکزیک-۲۰۰۳)، به‌کارگیری تدابیر موقعیت‌مدار برای از بین بردن موقعیت‌های جرم‌زا را به‌عنوان یکی از شیوه‌های مناسب برای پیشگیری از فساد در شمار تکالیف دولت‌های عضو گنجانده‌اند. شفاف‌سازی، ایجاد سازوکارهای منسجم نظارت‌کننده، پیش‌بینی و راه‌اندازی فرایند گزارش‌دهی در زمینه درآمدها و هزینه‌ها، اصلاح مقررات و برطرف کردن خلأهای موجود از جمله مهم‌ترین اقدام‌های پیشگیری موقعیت‌مدار معرفی شده در این سند به شمار می‌روند. از طرفی پیشگیری از جرم دارای مراحل متعددی است که تحقق هر یک از آنها برای دستیابی به موفقیت در گرو شناسایی وضعیت موجود، پی بردن به چالش‌ها، برنامه‌ریزی‌های سنجیده، اجرای شیوه‌های پیشگیرانه و ارزیابی از برنامه‌های به اجرا درآمده است. عدم توجه به هر یک از این مراحل به ناشناخته ماندن خلأها و عوامل ارتکاب فساد و در نتیجه ناموفق بودن برنامه‌های پیشگیرانه می‌انجامد.^۲ از این‌رو، نهادهای کارگزار از رهگذر تهیه و تدوین برنامه راهبردی و عملیاتی پیشگیرانه می‌توانند به این مهم دست یابند.^۳

در تحلیل وضعیت موجود نظام‌های الیگارشی و شبه‌الیگارشی موجود در کشور با توجه به

۱. نیازپور، امیرحسن، تکالیف جرم‌شناسانه دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۱، دوره ۷۶، شماره ۸۰، صص ۱۹۳-۲۲۲.

۲. نیازپور، امیرحسن، پیشگیری از فساد اداری-مالی در پرتو آیین نامه پیشگیری و مقابله نظاممند و پایدار با مفاسد اقتصادی در قوه مجریه ۱۳۹۲، فصلنامه راهبرد، سال ۲۴، ۱۳۹۴، شماره ۷۶، صص ۶۸-۶۹.

۳. نیازپور، امیر حسن، رویکرد سیاست جنایی لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال چهارم، ۱۴۰۱، شماره ۱۱، ص ۲۳۹.

گزارش‌ها و پرونده‌های متعدد فسادهای کلان اقتصادی از جمله اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی در بانک صادرات در سال ۱۳۷۴، پرونده شهرام جزایری در سال ۱۳۸۰، صدور اجرای احکام اعدام سالاطین سکه، دلار، خودرو و...^۱ و اخلال در نظام اقتصادی و زمزمه‌های فساد مالی گسترده در ماه‌های اخیر در پرونده موسوم به چای دیش گویای آن است که الیگارش‌ها به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی که دارای ظرفیت مجرمانه بالایی است، نیازمند بازنگری در ساختار سیاست جنایی کشور در مواجهه با این پدیده مخرب، از جمله اتخاذ تدابیر پیشگیرانه موقعیت‌مدار به‌منظور زدودن یا به حداقل رساندن فرصت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا، حفاظت از آماج جرم و مدیریت اوضاع و احوال پیش‌جنایی است. این امر میسر نمی‌شود مگر آنکه با بررسی علل و عوامل مؤثر در پیدایش چنین وضعیت‌ها و موقعیت‌هایی از بروز آن پیشگیری به عمل آید. این پژوهش در راستای نیل به این هدف سعی بر آن دارد تا با بررسی عمده‌ترین و اساسی‌ترین الگوهای نظام الیگارش‌ها، وضعیت‌ها و موقعیت‌های مرجح، ممکن و احتمالی که می‌تواند چنین زمینه‌هایی را فراهم سازد به ارائه یک راهبرد جامع در تدوین سیاست جنایی مطلوب در مواجهه با آن دست یابد. حال سؤال اساسی این است که برای حل این مسئله از چه سیاست جنایی باید استفاده شود؟ آیا مانند سایر پدیده‌های مجرمانه می‌توان از ابزار متداول برای مواجهه با الیگارش‌ها استفاده کرد؟

۱. چارچوب نظری

۱.۱. سیاست جنایی مشارکتی

در عصر حاضر رشد روزافزون پدیده مجرمانه همراه با ظهور اشکال نوین و متنوع بزهکاری، بحران ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام عدالت کیفری در به‌کارگیری صرف ضمانت‌اجرای کیفری در زمینه پیشگیری از جرم موجب پیدایش گرایش جدیدی از سیاست جنایی بر پایه مشارکت هرچه بیشتر ارکان جامعه مدنی در مراحل مختلف تدوین و اجرای سیاست جنایی شده است که از آن به‌عنوان سیاست جنایی مشارکتی یاد می‌شود. راهبرد سیاست جنایی مشارکتی بیانگر

۱. بهشتی، سید صمد، رامین مرادی و محمدناصر پاک‌نژاد، تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر ادراک فساد اداری (مورد مطالعه: ارباب رجوعان ادارات دولتی شهر یاسوج)، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هفدهم، ۱۳۹۹، ص ۲۴۳.

مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی در واکنش نسبت به جرایم و انحرافات اجتماعی است که هدف اصلی آن تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی و بازپروری بزهکاران است. بنابراین برای تحقق یک سیاست جنایی جامع در یک روند سیستماتیک و شبکه‌ای علاوه بر هماهنگی و انسجام بین تمامی نهادهای رسمی مقابله با جرم، همراهی و مشارکت سازمان‌های مردم نهاد نیز ضروری است. از این رو سیاست جنایی کارآمد یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه‌ی است که در چهارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشند.^۱ به این ترتیب سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند با هم‌جواری زمانی و مکانی دست‌اندرکاران دولتی و جامعه‌ی از رهگذر پیشگیری و سرکوب کیفری بزهکار و نیز بازپذیری اجتماعی بزهکاران موثر باشد.^۲

۱.۲. سیاست جنایی افتراقی

یکپارچگی فرهنگی و اجتماعی جوامع آغاز سده نوزدهم ایجاب می‌کرد سیاست جنایی واحد در قبال مجرمین اعمال شود. به تدریج جرائم و کیفرهای جدیدی به موازات تحولات عظیم نیمه دوم سده بیستم وارد حقوق کیفری شد که بازنگری اصول حقوق کیفری آغاز سده نوزدهم را ضروری می‌دانست. بدین سان عصر برخورد یکسان با بزهکاری به سرآمد و با متنوع شدن جرائم، متنوع کردن راهبردها و پاسخ‌های حقوق کیفری و به‌طور کلی سیاست جنایی نیز مورد بازنگری قرار گرفت و بدین ترتیب افتراقی‌سازی سیاست جنایی به‌عنوان یک راهبرد جدید وارد سیاست جنایی شد.^۳ ریشه‌های افتراقی‌سازی در نظام حقوق کیفری را شاید بتوان به مکتب اثباتیون ایتالیا (مکتب تحقیقی) نسبت داد. نظریات لومبروزو و انریکو فری در طبقه‌بندی مجرمین که تا

۱. شیعه علی، علی، وحید زارع و مجتبی زارع، جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۴ و ۵، صص ۲۸۹ و ۲۹۲.

۲. نادری، قائم و مهدی اسماعیلی، سیاست‌های جنایی مشارکتی، فصلنامه علمی (مقاله علمی پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۴ (پیاپی ۱۲)، صص ۱۹۰۹-۱۸۹۱.

۳. آقالار ثالث، سامان، محمدجعفر حبیب‌زاده، محمد فرجی‌ها و محمود صابر، گفتمان سیاست جنایی قانونگذار و رویه قضایی ایران در قبال جرم تحصیل مال از طریق نامشروع؛ با رویکرد تطبیقی بر گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲، صص ۱-۳۴.

پیش از آن سابقه نداشت زمینه‌ساز تفرق بین مجرمین شد، چرا که به اعتقاد ایشان یکسان دیدن مجرمان و متعاقباً واکنش‌های ثابت و یکسان به آنها بیهوده است؛ زیرا متفاوت بودن گونه‌های بزهکاران را نادیده می‌گیرد.^۱ بنابراین راهبرد افتراقی‌سازی سیاست جنایی در آغاز با رهیافت دوقطبی‌سازی یا دوگانه‌سازی مقابله با بزهکاران مکرر یا خطرناک از بقیه بزهکاران شروع شد؛ ولی دیری نپایید که در گام دوم چند لایه شدن یا افتراقی‌سازی سیاست جنایی به‌عنوان راهبرد جدید مطرح شد.^۲ در این راستا در فوریه ۱۹۷۴ «گردهمایی مطالعه مسائل و دورنماهای راهبرد افتراقی در قلمرو سیاست جنایی» در رُم بر پا شد که بیان می‌داشت: «زمان مقابله و برخورد یکنواخت با جرم تمام شده و با ازدیاد جرایم، باید راهکارهای گوناگونی بکار برد و بازتاب‌ها و انعکاس حقوقی کیفری و به‌طور کلی سیاست جنایی را رسیدگی کرد. به این صورت، تفکیک‌سازی، لایه‌بندی یا طبقه‌بندی‌سازی سیاست جنایی، به نام یک راهکار نو وارد پژوهش‌ها و تحقیقات سیاست جنایی شد.»^۳

۱.۳. مدیریت ریسک جرم

رهیافت اصلاح و بازپروری بزهکاران با آنکه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رهیافت‌های جرم‌شناسی در گستره قابل‌توجهی از کشورهای جهان پیاده شده است، اما پیشرفت شتابان فناوری‌های نوظهور در پایان سده بیستم شماری از نظام‌های کیفری را به پیاده‌سازی رهیافت‌هایی چون مدیریت ریسک جرم هدایت کرده است. این راهبرد از آن روست که مفهوم ریسک همواره با ضرورت پیش‌بینی احتمال تحقق ریسک در آینده و چاره‌اندیشی برای دستیابی به مناسب‌ترین راهبردهای مقابله با آن است. در این دیدگاه به جای تحلیل جرم و علل

۱. شاملو، باقر و مصطفی پانک‌نیت، *افتراقی شدن سیاست کیفری در پرتو پارادایم اثباتی و چالش‌های پیشروی آن در برخورد با رویکردهای نوین*، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱، صص ۲۰۷ و ۲۰۹.

۲. مظفری‌نیا، سهراب، امیر آلبوعلی و محمود باوی، *سیاست جنایی افتراقی جهت پیشگیری از بزهکاری نوجوانان در جامعه پس از خروج از کانون*، ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، بهمن ۱۴۰۱، شماره ۱۱، ص ۴۵۶۹.

۳. کافی، مصطفی، محسن شکرچیزاده و احمدرضا توکلی، *سیاست جنایی افتراقی در جرائم غیر عمد مستوجب دیه در پرتو کثرت‌گرایی نظام حقوق کیفری*، مجله حقوق پزشکی، ویژه‌نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰، صص ۷۸.

شکل‌گیری آن، با رویکردی مدیریتی، ریسک ارتکاب جرم را مورد ارزیابی و سنجش قرار داده و آن‌گاه آن را مدیریت می‌کنند. از این‌رو وظیفه مدیریت ریسک در مواجهه با تحولات پیش‌رو، کاهش احتمال وقوع رخدادهای نامطلوب یا کاهش شدت آثار منفی آن است.^۱ در مورد جرایم نیز باید پذیرفت که هرگونه از جرایم دارای مقداری ریسک برای جامعه هستند و همه سیاست‌گذاری‌های آتی درباره جرایم باید بر پایه میزان ریسک آنها انجام شود. بر همین مبنا حقوق کیفری ماهوی نیز در چارچوب درجه‌بندی و تعیین مجازات‌های تعزیری، منع پیاده‌سازی نهادهای ارفاقی کیفری نسبت به مرتکبان پرریسک، تعیین کیفیات مشدده جرایم و... آن را بازتاب می‌دهد. قرارهای تأمین کیفری، دادرسی‌های اختصاصی کیفری و دادرسی‌های فوری نیز مهم‌ترین بسترهای پیاده‌سازی رویکرد مدیریت ریسک جرم در سازه شکی حقوق کیفری است.^۲ با عنایت به مطالب فوق، توجه به سیاست جنایی ریسک‌مدار و لزوم مداخله کیفری و بالاخص اقدامات غیرکیفری و جمعی به‌منظور مدیریت و کنترل اجتماعی در پیشگیری و به حداقل رساندن مخاطرات الیگارشی‌ها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

۱.۴. نظریه فرصت جرم و رویکرد پیشگیری موقعیت‌مدار

از جمله نظریه‌هایی که در چند دهه اخیر مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفته، نظریه فرصت جرم^۳ است. مطابق این دیدگاه، به صرف وجود بزه‌کار و بزه‌دیده، جرم واقع نمی‌شود؛ بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب نیز فراهم باشد. این همان امری است که ما در فلسفه تحت عنوان فراهم بودن مقتضیات و فقدان موانع می‌شناسیم. این تئوری مدعی است که افزایش فرصت ارتکاب جرم، احتمال وقوع جرایم را هم افزایش و برعکس کاهش فرصت‌های ارتکاب، احتمال وقوع جرایم را کاهش می‌دهد. به همین دلیل در تعریف ارائه‌شده در ماده یک قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ که بیان می‌دارد: «پیشگیری از وقوع جرم عبارت از

۱. اسماعیلی آذر، غلامرضا، باقر شاملو و کیومرث کلانتری درونکلا، مخاطرات تکنولوژی‌های نوین بر امنیت اجتماعی با تأکید بر تحولات اخلاقی و ارزشی، پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، دوره ۴، مهر ۱۴۰۲، شماره ۱۲، صص ۱۵۱-۱۷۶.

۲. حسانی، جلال‌الدین، سیدمحمود میرخلیلی و محمدرضا نظری نژاد کیاشی، مطالعه رهیافت مدیریت ریسک جرم از چشم اندازه‌های فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و حقوق کیفری بین‌المللی، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره چهاردهم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۳.

3. Crime opportunity Theory

پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم از میان بردن یا کاهش آن است»، مدیریت خطر در گرانیگاه پیشگیری از جرم قرار دارد.^۱ از طرفی پیشگیری موقعیت‌مدار نیز رخداد جرم را پیامد فرصت یا ترکیبی از موقعیت‌ها در فضاها یا محیط‌ها تعریف می‌کند. از این رو به جای توجه به اصلاح شخصیت مجرم و تمایلات مجرمانه وی، کانون توجه خود را بر موقعیت‌های ارتکاب جرم و آماج‌های بالقوه معطوف داشته است.^۲ با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت دامنه وسیع مخاطرات الیگارش‌ها اهمیت و ضرورت پژوهش پیش‌رو را متذکر می‌شود؛ چراکه عدم پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش پیامدهای مخرب اقدامات الیگارش‌ها می‌تواند امنیت اجتماعی را در سطوح مختلفی با چالش مواجه کند.

۲. یافته‌ها

فساد از جمله موضوعاتی است که امروزه به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر در سراسر جهان به چشم می‌خورد. گسترش فساد نه فقط در کشورهای در حال توسعه، بلکه در کشورهای توسعه‌یافته نیز به‌طور دامنه‌دار در میان مقامات عمومی و سیاست‌مداران مشاهده می‌شود.^۳ معنای فساد از پرداخت رشوه به کارمندان دولت تا طیف گسترده‌ای از اقدامات مشکوک اقتصادی و سیاسی یا هرگونه سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی را دربر می‌گیرد. همچنین فساد پدیده‌ای چندوجهی است که دارای معانی متعددی است؛ چراکه اشکال فساد از نظر اینکه چه کسانی بازیگر، آغازگر و منتفع‌اند یا چگونه و تا چه حد انجام می‌شود متنوع است. فساد همچنین در بین مشاغل خصوصی، سازمان‌ها و افراد غیردولتی نیز قابل مشاهده است، با این حال بیشتر تعاریف، فساد درون اجتماعی را کنار می‌گذارد و بر فساد به‌عنوان یک رابطه دولت-جامعه تأکید می‌کنند. سازمان شفافیت بین‌الملل معتقد است فساد یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهان معاصر

۱. شاهیده، فرهاد و باقر شاملو، **رویکرد پیش‌بینانه به جرائم تروریستی**، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، دوره ۴، ۱۴۰۰، شماره ۱۲، ص ۱۱۶.

۲. ناییبی، محسن و مهرداد رایجیان اصلی، **پیشگیری موقعیت‌مدار در پرتو جرم‌شناسی مدیریتی**، مجله فقه و تاریخ تمدن، دوره ۱۳۹۸، شماره ۵، صص ۳۰-۳۵.

۳. میرعباسی، فاطمه، احمد ساعی و علیرضا ازغندی، **سندرم فساد و بوروکراسی شکننده در جوامع در حال گذار**، فصلنامه تحقیقات سیاست راهبردی، دوره ۹، ۲۰۱۹، شماره ۳۴، ص ۲۱۰.

است؛ دولت خوب را تضعیف می‌کند، سیاست‌های عمومی را مخدوش می‌کند، منجر به تخصیص نادرست منابع می‌شود و به بخش خصوصی و توسعه آن، به‌ویژه به فقرا آسیب می‌رساند. از این رو به اعتقاد بسیاری، فساد به مثابه سرطان و بیماری است که عملکرد اندام‌های حیاتی جامعه را مختل می‌کند.^۱ همچنین به دلیل فساد تا حدودی برای میلیون‌ها نفر، دموکراسی به معنای افزایش ناامنی است و بازارهای آزاد جایی است که به نظر می‌رسد ثروتمندان به هر بهانه ای ثروتمندتر می‌شوند. این مشکلات پرسش‌های اساسی را در مورد شیوه اداره جامعه و اقتصاد ایجاد کرده است.^۲ از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد فسادهای کلان بالاخص در حوزه اقتصادی-سیاسی، وجود گروه‌های فاسدی است که با مشارکت یکدیگر منافع عمومی را در جهت تأمین منافع شخصی خود استخراج می‌کنند و از این طریق موجب از بین رفتن ثبات اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی جوامع می‌شوند. الیگارش‌ها در کنار تاراج منافع ملی ممکن است منافع منطقه‌ای یا بین‌المللی را نیز با چالش مواجه کنند. به‌طور مثال در جنگ اخیر روسیه و اوکراین، اقدامات ارتش خصوصی واگنر تحت رهبری ویگنی ویتروویچ پریگوزین^۳ (همچون گروه ارتش خصوصی بلک واتر ایالات متحده آمریکا یا شرکت چندملیتی «G4S» بریتانیا) اقدامات فاجعه‌بار انسانی را رقم زده است. به گفته سالیوان^۴، یکی از بنیان‌گذاران شبکه جهانی «پروژه گزارش‌دهی جرایم سازمان‌یافته و فساد اداری»، پریگوزین یک الیگارش و به‌عنوان شخصیت سال در جرایم سازمان یافته و فساد در سال ۲۰۲۲ از طرف این مؤسسه اعلام شده است.^۵ این شواهد ضرورت پرداختن به پدیده الیگارش‌ها را گوشزد می‌کند. چراکه گسترش بی‌عدالتی، از بین رفتن ثروت ملی، تبعیض، گسترش فقر و نابودی زیرساخت‌های اقتصادی می‌تواند موجبات فروپاشی نظام‌های اجتماعی یا فرهنگی هر جامعه را به همراه داشته

1. Timbul Tampubolon, T & Lele , Gabriel & Kumorotomo, W. "Cartel and Political Corruption :Insight from Beef Imports Collusion in Indonesia. Annual Conference of Indonesian Association for Public Administration" *Advances in Economics, Business and Management Research*, volume 122(IAPA 2019).p 234.

2. Johnston, M. *Syndromes of Corruption: Wealth, Power and Democracy*. Cambridge University Press. Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York. 2005, Pp 1-2.

3. Yevgeny Viktorovich Prigozhin

4. Blackwater

5. Sullivan

6. Person of the Year, 2022 Winner: Yevgeny Prigozhin .<https://www.occrp.org/en/poy/2022/2023/06/14>.

باشد. از این رو به منظور بررسی تأثیرات مخرب نظام الیگارشی بر فساد سیاسی لازم است در گام نخست به تحلیل مفهوم‌شناختی از دو واژه الیگارشی و فساد سیاسی برای تمایز این واژگان از سایر مفاهیم مشابه برآییم و سپس روند این نظام فاسد را در نظام‌های دموکراتیک مورد ارزیابی قرار دهیم.

۲.۱. مفهوم‌شناسی

۲.۱.۱. فساد سیاسی

در برداشتی کلی، فساد در ساختار حاکمیت به معانی مختلفی از جمله پرداخت رشوه به کارمندان دولتی و سرقت ساده از منابع عمومی تا طیف گسترده‌ای از اقدامات مشکوک اقتصادی و سیاسی که در آن تجار، سیاستمداران و بوروکرات‌ها خود را غنی می‌کنند، به کار رفته است. در اصطلاح حقوقی و در برداشتی سنتی، فساد در این حوزه معامله‌ای بین یک مأمور رسمی با اشخاص غیردولتی است که در آن مأمور رسمی دولت از حدود قانون و مقررات فراتر می‌رود تا از طرق مختلف، از جمله رشوه، منافع شخصی خود را تأمین کند تعریف شده است.^۱ از منظر قوانین جزائی برخی کشورها این فساد دارای دو عامل است: نخست ارتکاب جرم توسط صاحب منصب با سوءاستفاده از موقعیت یا قدرت، و دیگر آنکه جرم برای نفع شخصی انجام شود.^۲ در توصیف پرکاربرد دیگری، فساد معامله بین بازیگران بخش خصوصی و عمومی است که از طریق آن کالاهای عمومی به‌طور نامشروع به بخش خصوصی منتقل می‌شود.^۳ کالین نای^۴ در تعریفی کلاسیک، فساد را شامل رفتاری می‌داند که از وظایف رسمی یک نقش عمومی به دلیل توجه به ثروت (شخصی، بستگان نزدیک یا گروهی خاص) یا موقعیت خود منحرف می‌شود.^۵ همچنین ممکن است فساد زمانی رخ دهد که سیاستمدارانی که وظیفه وضع قوانین و اجرای آن از سوی شهروندان را بر عهده دارند، خودشان به شیوه‌ای فاسد عمل کنند و از قدرت سیاسی خود برای

1. Amundsen, I. (2). "Corruption: Definitions and Concepts. Chr". *Michelsen Institute Development Studies and Human Rights Introduction DRAFT*, 17 January 2000. P.2.

2. Duc Hanh, N. "Corruption in The Banking Sector: Experiences, Challenges, Trends, Solutions and Recommendation". *Hanoi University for Prosecutors*, Viet Nam. 2013, P 210.

3. Heidenheimer A, J, Michael J, & Victor T. LeVine. (1993). " (eds.): Political Corruption". *A Handbook*. New Brunswick NJ, 1989 (third printing 1993), Transaction Pub. p.6.

4. Colin Nye.

5. Amundsen, Inge. (2). Op.cit. pp 2-5.

پیگیری منافع اقتصادی یا حفظ موقعیت خود سوءاستفاده کنند.^۱ بنابراین فساد سیاسی اغلب شامل سوءاستفاده از قدرت است که نه فقط به تخصیص نادرست منابع می‌انجامد، بلکه بر نحوه تصمیم‌گیری‌ها نیز تأثیر می‌گذارد.^۲ اما پرکاربردترین تعریف فساد، تعریف عملی بانک جهانی از فساد به‌عنوان «سوءاستفاده از قدرت عمومی در جهت نفع خصوصی» است.^۳

۲.۱.۲. الیگارشی

الیگارشی^۴ از دو واژه^۵ Oligon به معنای کم و Arkho^۶ به معنای حکومت، از ادبیات یونان باستان گرفته شده است و مقصود از آن شکلی از حکومت است که در آن قدرت سیاسی عملاً در اختیار بخش کوچک و نخبگان جامعه قرار دارد. عموماً از این واژه برای اشاره به قدرت استبدادی استفاده می‌شود که توسط گروهی کوچک و ممتاز برای اهداف اغلب فاسد یا خودخواهانه اعمال می‌شوند. الیگارشی‌ها گاهی مترادف با اشراف بودند که توسط اعضای یک طبقه نجیب اداره می‌شدند و یا مترادف با پلوتوکراسی^۷ یا حکومت ثروتمندان به کار برده می‌شود. بنابراین در یک بیان کوتاه می‌توان الیگارشی را معادل سیطره حلقه‌ها و گروه‌های کم‌شمار فوقانی حاکم بر طبقات یا احزاب یا سازمان بروکراتیک یا حکومت‌ها و نظایر آن دانست. به این دلیل، نفوذ این دسته از افراد در فرایند تصمیم‌سازی حکام را حکومت «متنفذان» نیز نامیده‌اند.^۸ از لحاظ تاریخی، الیگارشی‌های سازمان‌یافته و غیررسمی‌ای نیز وجود داشته‌اند که ترجیح می‌دادند قدرت سیاسی را آشکارا اعمال نکنند، بلکه «قدرت پشت تاج و تخت» باقی بمانند و از طریق فشار اقتصادی یا سیاسی کنترل خود را اعمال کنند. از طرفی از آنجا که جوهر سیاست، تصمیم برای جماعت و نه به وسیله جماعت است، می‌توان گفت تقریباً همه اشکال حکومت می‌توانند توسط یک الیگارشی

1. Cerqueti, R and Coppier, R. "Political Corruption. in: Marciano, A and Ramello", G(ed.) *Encyclopedia of Law and Economics* New York Springer. 2019, p 1.

2. Bosso, Francesco, Maïra Martini, Inaki Albisu Ardigó, "Political Corruption Topic Guide"; Compiled by the Anti-Corruption Helpdesk. TRANSPARENCY INTERNATIONAL; The global coalition against corruption, 31 October 2014, With support from the European Commission. pdf. P 2.

3. Amundsen, I.(1). "Political Corruption: An Introduction to the Issues". *Chr. Michelsen Institute Development Studies and Human Rights*. WP 1999: 7, P.O. Box 6033 Postterminalen, N-5892 Bergen, Norway. p 2.

4. Oligarchy

5. ὀλιγόν

6. ἄρχω

7. Plutocracy

۸. شایان مهر، علیرضا، *دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، جلد ۳، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۰، صص ۲۰۱-۲۰۲.

کنترل شوند یا به یک الیگارش‌ی تبدیل شوند، چراکه در مفهوم دقیق، همواره عده بسیار یا مردم هرگز حکومت نمی‌کنند، کار واقعی حکومت کردن همیشه در دست عده‌ای اندک است.^۱ بر این اساس، دموکراسی‌های مدرن را نیز می‌توان تحت شرایطی الیگارش‌های منتخب دانست؛ چرا که سیاستمداران به شدت به نخبگان اقتصادی و رسانه‌ای غیرمنتخب وابسته‌اند و کنترل مؤثر به قدری دست به دست می‌شود که تشخیص کسانی که در قدرت هستند به‌عنوان طبقه یا نخبگان دشوار است. همچنین تعداد کمی از کاندیداهای سیاسی منفرد منابع اقتصادی برای خرید تبلیغات مورد نیاز برای جلب توجه عمومی را دارند، در نتیجه اغلب در برابر گروه‌های ذی‌نفع خاص از انواع مختلف تهدید می‌شوند. به‌طور مثال در فیلیپین بیش از ۸۴ میلیون نفر در بیش از ۷۰۰۰ جزیرهٔ مجمع‌الجزایر فیلیپین زندگی می‌کنند، اما سیاست و اقتصاد فقط تحت‌سلطهٔ حدود هشتاد خانواده است؛ لذا به کار بردن کلمهٔ مافیا، کوتاه‌نویسی مفیدی در این زمینه به شمار می‌رود.^۲

۲.۲. تأثیر ساختار حاکمیت بر پیدایش الیگارش‌ها

در تبیین چگونگی شکل‌گیری الیگارش‌ها، پژوهشگران عمدتاً بر ساختار و ماهیت حکومت‌ها تمرکز دارند. به اعتقاد ایشان، ساختار و ماهیت حکومت‌ها امکان ظهور و بروز یا عدم پیدایش الیگارش‌ها را مهیا می‌کند. به اعتقاد برخی از ایشان، رژیم‌های استبدادی و نیمه‌دموکراتیک با فساد سیاسی پایدارتری نسبت به سایر رژیم‌های دموکراتیک در پیدایش الیگارش‌ها مواجه‌اند و فساد نیز به نوبهٔ خود در این نوع رژیم‌ها به‌خوبی رشد می‌کند.^۳ برخی دیگر معتقدند در بعضی از کشورهای اقتدارگرا، دیکتاتورها قادر به کنترل میزان فساد هستند و به همین دلیل فساد می‌تواند شیوع کمتری داشته باشد.^۴ نتایج حاصل از بسیاری از پژوهش‌ها بیانگر آن است که نظام‌های دموکراتیک کمترین میزان خطر در زمینهٔ تشکیل نظام‌های الیگارش را دارند؛ اما برخی از پژوهش‌ها نیز در تحقیقات میدانی و استناد به آمار موجود در جوامع دموکراتیک این نظریه را رد می‌کنند. در این زمینه دو دیدگاه ارائه شده است: نخست پژوهشگرانی از جمله زلفان حکیم و جوردی^۵ معتقدند که نظام‌های دموکراتیک بر اصولی از جمله آزادی و برابری متکی‌اند؛ یعنی

۱. پرهام، باقر و همکاران، *فرهنگ علوم اجتماعی*، چاپ سوم، تهران: نشر مازیار، ۱۳۹۲، ص ۹۲.

2. Johnston, op. cit, p 25.

3. Fjeld, Hanne & Håvard Hegre, "Political Corruption and Institutional Stability", *Studies in Comparative International Development* 49(3). 2014, p 287.

4. Cerqueti, & Coppier, op. cit, p 5.

5. Zulfan Hakim, Muhammad & Jurdi, Fajlurrahman

همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن شایستگی‌های متفاوتی که می‌توانند داشته باشند با هم برابرند. این امر به علت وجود نابرابری‌های موجود در عالم واقع، از جمله برخورداری از مواهب قدرت و ثروت، موجب می‌شود که در عمل اشخاص متمول با تکیه بر دارایی‌های خود بتوانند به خرید آرا و حذف رقبای خود اقدام کنند و از این طریق افکار عمومی را به خود جلب و مناصب سیاسی را در اختیار بگیرند. همچنین اشخاصی که ایشان از آن تحت عنوان سیاستمداران نابالغ^۱، یعنی افرادی که در خانواده‌های دارای مناصب سیاسی به دنیا آمده اما دارای شایستگی و پختگی لازم برای امور سیاسی نیستند، نیز با حمایت‌های مالی و خانوادگی خود می‌توانند به راحتی وارد عرصه سیاست شوند و ساختارهای الیگارشی را شکل دهند. از این رو دموکراسی ممکن است فقط به عنوان یک ابزار توسط الیگارشی‌ها استفاده شود. دموس^۲ بر اساس تحقیقات سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۷ بیان می‌کند که دموکراسی به دلیل سیاستمداران نخبه‌ای که قدرت را به انحصار خود درآورده‌اند مسئول ایجاد یک دموکراسی الیگارشی است. تحقیقات وی بیانگر آن است که دموکراسی همیشه با آزادی و برابری در همه حوزه‌های عمومی همراه نیست. این شرایط منشأ فساد و سوءاستفاده از قدرت است؛ چراکه دموکراسی و روند سیاسی بر کیفیت و شایستگی تکیه نمی‌کند و تنها بر رسمیت تأکید دارد. در تأیید این نظریه، مرکز تحقیق و توسعه کامپاس^۳ نشان می‌دهد که یک پرونده فساد وجود دارد (۲۰۱۵-۲۰۰۲) که شامل ۷۷ نماینده مجلس، ده وزیر، ده نایب‌السلطنه و نه سیاستمدار از احزاب مختلف در آن حضور دارند.^۴ از این رو به اعتقاد ایشان دموکراسی ماهیتاً زمینه ایجاد و رشد الیگارشی را فراهم می‌کند.

در دیدگاه دیگر، پژوهشگرانی از جمله وینترز و پیچ^۵ معتقدند که مفهوم الیگارشی را می‌توان نه فقط در جوامع نیمه دموکراتیک، بلکه در ایالات متحده معاصر نیز به کار برد. به اعتقاد ایشان، الیگارشی با دموکراسی در تقابل باهم نیستند، بلکه می‌توانند به راحتی در کنار یکدیگر هم‌زیستی داشته باشند. چراکه الیگارشی‌ها نیازی به داشتن مناصب رسمی دولتی ندارند و به طور غیرمستقیم اثر خود را می‌گذارند. در این روند ثروتمندان اغلب سازمان‌های بزرگی مانند شرکت‌های تجاری

1. Immature politicians

2. Demos.

3. The research and the development of Kompas.

4. Zulfan H, Muhammad & Jurdi, F. "Immature Politicians and Oligarchy As a Threat to Democracy". *University, Bandar Lampung, Lampung, Indonesia*. Volume 11 Number 4, October-December 2017. Pp 342,354.

5. Jeffrey A. Winters and Benjamin I. Page.

را کنترل می‌کنند. آنها می‌توانند ارتشی از بازیگران حرفه‌ای و ماهر را از هر طبقه استخدام کنند که به‌عنوان مدافعان حقوق‌بگیر و مدافعان منافع اصلی الیگارشی‌ها کار کنند. در جوامع مدرن این بازیگران اغلب ساکن بنیادها، اتاق‌های فکر، شرکت‌های حقوقی مرتبط با سیاست، مشاوران و سازمان‌های لابی هستند. گاهی اوقات آنان سیاستمداران یا مقاماتی‌اند که توسط ثروتمندان استخدام و تأمین مالی می‌شوند. برای مثال، در پژوهش سال ۲۰۰۵ با استفاده از داده‌های مالیات بر درآمد دریافتند که یک‌درصد از آمریکایی‌ها شانزده‌برابر بیشترین سهم از درآمد ملی را، که از سال ۱۹۲۸ برخوردار بوده‌اند، دریافت کرده و ۲۵ مدیر ارشد صندوق تأمین در سال ۲۰۰۶ در مجموع چهارده‌میلیارد دلار به دست آوردند که بیشتر از تولید ناخالص داخلی کشورهایی چون اردن یا اروگوئه است. در همین زمینه می‌توان به داده‌های فوربس^۱ در مورد قلّه صاحبان ثروت یعنی ۴۰۰ و ۱۰۰ ثروتمند برتر آمریکا، که برای محاسبه سهم آن گروه‌ها از کل ثروت استفاده کرده‌اند، استناد کرد. شاخص قدرت مادی این افراد نشان می‌دهد که هر یک از ۴۰۰ نفر از ثروتمندان آمریکا به‌طور متوسط حدود ۲۲۰۰۰ برابر بیشتر از متوسط عضو ۹۰ درصد پایین و هر یک از ۱۰۰ نفر برتر تقریباً ۶۰۰۰۰ برابر بیشتر از افراد عادی دارند. بنابراین تغییرات در خروجی‌های سیاست در ایالات متحده عموماً به ترجیحات شهروندان با درآمد بالاتر و نه عموماً شهروندان پاسخ داده است و ترجیحات تصمیم‌گیران سیاست خارجی بیش از خواسته‌های عموم مردم به خواسته‌های مدیران شرکت‌های چندملیتی پاسخ داده است.^۲

فوکویاما نیز در کتاب *نظم و زوال سیاسی* بیان می‌دارد: «اغلب تعاریف فساد حول استفاده از منابع عمومی برای اهداف خصوصی می‌گردد، چنین تعریفی به‌صورت ضمنی این معنا را به ذهن متبادر می‌کند که فساد پدیده‌ای است که تنها در جوامع مدرن یا لاقدر در حال مدرن شدن رخ می‌دهد، زیرا این امر از تفکیک دو حوزه عمومی و خصوصی ایجاد شده است. از آنجا که این تفکیک ماحصل تولد دولت‌های مدرن است و تا قبل از آن امر عمومی وجود نداشت تا بتوان از منابع آن سوءاستفاده کرد، باید آن را ماحصل دولت‌های مدرن دانست. به بیان دیگر، تنها در قرن هفدهم و هجدهم با رشد و توسعه دولت‌های متمرکز بود که قلمرو حکام دیگر جزو اموال شخصی ایشان و پادشاهان تلقی نمی‌شد و نوعی امانت عمومی به حساب می‌آمد که حاکم به

1. Forbes

2. Winters, Jeffrey A. and Benjamin I., "Oligarchy in the United States?. Perspectives on Politics". December 2009 |Vol. 7/No. 4, 2009, p 737.

نیابت از کل جامعه آن را اداره می‌کند، در صورتی که قبل از آن حکام و پادشاهان خود را مالک سرزمین [و تمامی اموال] تحت حاکمیتشان می‌دانستند، گویی آنها بخشی از دارایی شخصی یا میراث پدری آنها بود، بنابراین تا قبل از این حکام و پادشاهان می‌توانست هر جایی را که می‌خواهد به خویشان حامیان یا رقبا ببخشد، زیرا آنها بخشی از اموال شخصی وی به حساب می‌آمدند»^۱، از این رو تا قبل از تشکیل دولت مدرن سخن از فساد سیاسی و اقتصادی موضوعیت نداشت.

۳. اقسام فساد سیاسی

فساد سیاسی شامل طیف وسیعی از جنایات و اعمال غیرقانونی است که توسط تصمیم‌گیران (قبل، حین و پس از ترک مقام) انجام می‌شود. بنابراین می‌تواند به طرق گسترده‌ای از جمله تأمین مالی - سیاسی غیرقانونی، تأثیر ناروا بر سیاست‌گذاری، تسخیر دولت، تقلب در انتخابات، سوءاستفاده از منابع دولتی در طول انتخابات، سوءاستفاده از مصونیت‌ها و سایر اختیارات مربوط به آنها تجلی یابد.^۲ با وجود این، ذیلاً به مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های ارائه شده در پژوهش‌های تخصصی می‌پردازیم.

۳.۱. فساد کلان و فساد خرد

در مبحث فساد در یک تمایز کلی با دو گونه فساد مواجهیم: نخست فسادی است که به معنای سوءاستفاده از قدرت سیاسی توسط رهبران دولت برای استخراج و انباشت برای غنی‌سازی خصوصی و استفاده از ابزارهای فساد سیاسی برای حفظ قدرت خود است. فسادی که در بالاترین سطوح نظام سیاسی که شامل سیاست‌مداران، وزرا و سایر صاحبان مناصب ارشد دولتی رخ می‌دهد و از این رو می‌توان آن را از فساد اداری یا بوروکراتیک، فساد تجاری و بخش خصوصی متمایز کرد. فسادی که ممکن است شامل تنظیم قوانین و مقررات به نفع عوامل بخش خصوصی باشد؛ فسادی که تصمیم‌گیران از قدرت سیاسی خود برای حفظ قدرت، موقعیت و ثروت خویش استفاده و تدوین سیاست و قانون‌گذاری به نفع سیاست‌مداران و قانون‌گذاران را تنظیم می‌کنند؛ فسادی که ممکن است در موقعیت‌های بالاتر اتفاق بیفتد، بدون اینکه عموم

۱. فوکویاما، فرانسیس، *نظم و زوال سیاسی*، ترجمه رحمن قهرمانپور، تهران: انتشارات روزنه، چاپ پنجم، ۱۴۰۱، صص ۹۵-۹۷.

2. Bosso et al, Op.Cit. pp 1-2.

مردم از آن اطلاعی داشته باشند. شاخصه‌های فوق بیانگر اصطلاح «فساد کلان» است که منعکس‌کننده مقیاس فساد و مبلغ قابل توجهی از پول درگیر است. در مقابل، فساد اداری یا فساد خرد قرار دارد که در حین اجرای سیاست‌های عمومی رخ می‌دهد. این فساد مانند گرفتن رشوه شامل بوروکرات‌های منصوب و کارکنان اداره رسمی در سطح مرکزی یا محلی است.^۱ بنابراین فساد سیاسی برخلاف فساد اداری چیزی بیش از انحراف از هنجارهای قانون رسمی و مکتوب و همچنین قوانین اخلاق حرفه‌ای و احکام دادگاه است. فساد سیاسی زمانی است که قوانین و مقررات کم‌وبیش به‌طور سیستماتیک توسط حاکمان مورد سوءاستفاده قرار گیرد یا کنار گذاشته یا نادیده گرفته شوند یا حتی متناسب با منافع آنها تنظیم شوند. درحالی‌که فساد اداری معمولاً از طریق حسابرسی، قانون‌گذاری و ترتیبات نهادی قابل‌مقابله است، حال آنکه اثرهای تخریبی فساد سیاسی را نمی‌توان به تنهایی با یک رویکرد اداری از میان برد. بنابراین فساد سیاسی را باید به‌عنوان یک رویه عمده، خودخواسته و کاربردی به شمار آورد.^۲

۳.۲. فساد شخصی و فساد جمعی

فساد سیاسی گاه شامل انباشت و استخراجی است که شامل اختلاس، رانت‌خواری، غارت و حتی حکومت دزدان^۳ است که مقامات دولتی از قدرت خود برای استخراج از بخش خصوصی یا منابع عمومی سوءاستفاده می‌کنند. شکل دوم فساد سیاسی حالتی است که در آن منابع استخراج‌شده برای حفظ و گسترش قدرت استفاده می‌شود. این‌گونه فساد معمولاً شکل طرف‌داری و سیاست حمایتی را به خود می‌گیرد که شامل توزیع مطلوب و با انگیزه‌های سیاسی یا مالی برای بازیگران فاسد اعمال می‌شود که درنهایت برای آنها منافع خصوصی دارد.^۴ به بیان دیگر، این دسته از فساد شامل استفاده نامشروع از منابع عمومی برای حفظ و گسترش قدرت سیاسی توسط کسانی، که مناصب سیاسی دارند، می‌شود.^۵ باین‌حال فساد ممکن است جمعی نیز باشد؛ چراکه فساد در مجموع اثر اقتصادی قابل توجهی دارد و حاکمان به‌عنوان یک گروه، طبقه، نهاد یا سازمان تمایل زیادی به جمع‌سازی با شرکا، حامیان و مافوق خود دارند.^۶

1. Timbul Tampubolon et al ,Op.Cit.p 234.

2. Amundsen,Inge.(1).op.cit.pp 3-4.

3. kleptocracy (rule by thieves).

4. Amundsen ,Inge .(2).op.cit.pp 8-9&5.

5. Fjelde, Hanne & Håvard Hegre .op.cit.p 287.

6. Timbul Tampubolon et al ,Op.Cit.pp 225,226.

۳.۳. خویشاوندگرایی و خصوصی‌سازی

در برخی کشورها، صاحبان قدرت به‌طور سیستماتیک از دفتر سیاسی خود برای ورود، تأمین و گسترش منافع تجاری خود استفاده می‌کنند؛ به نحوی که دارایی و حقوق ملی را انحصاری و تعداد زیادی از شرکت‌های دولتی و نیمه دولتی را در قبال مبالغ نمادین پول و به نام خصوصی‌سازی به دوستان و خانواده وزرا و رؤسای جمهور واگذار می‌کنند. به‌طور مثال در زیمبابوه، رؤسای حزب حاکم مالک مزارع بزرگ سفیدپوستان سابق‌اند و در کامرون، رئیس‌جمهور و خانواده‌اش صاحب بزرگ‌ترین کارخانه‌ها، پالایشگاه‌های شکر، حمل و نقل و شرکت‌های دیگرند.^۱ در همین زمینه برخی از پژوهشگران از واژه فئودالیزاسیون استفاده می‌کنند که به خصوصی‌سازی و تمرکززدایی دولت اشاره دارد و بر روابط مشتری‌گرایانه درگیر تأکید می‌کند. فئودالیزاسیون زمانی اتفاق می‌افتد که کل مناطق جغرافیایی، بخش‌های اقتصادی یا واحدهای نظامی توسط منافع خصوصی تسخیر شوند.^۲ در این زمینه فوکویاما معتقد است از هند تا ژاپن و آمریکا شاهد بازگشت نوعی «ویژه‌پروری» دولتی هستیم. این امر ریشه در آن دارد که انسان‌ها ماهیتاً موجوداتی اجتماعی و سازمان‌دهی اجتماعی آنها برگرفته از دو اصل بنیادین زیست‌شناسی یعنی «توجیه خویشاوندی» و «نوع‌دوستی دادوستدی» است که نه‌فقط در تمامی جوامع بشری، بلکه در اغلب گونه‌های تولیدمثل‌کننده نیز مشاهده می‌شود. در ترجیح خویشاوندی افراد با توجه به میزان ژن مشترکی که دارند روابط ژنتیکی را در اولویت قرار می‌دهند و این اساس فامیل‌بازی و قوم و خویش‌گرایی است و نوع دوم، نوع‌دوستی دادوستدی است که دربرگیرنده تبادل متقابل منافع میان افرادی است که نسبت خویشاوندی با یکدیگر ندارند.^۳

۳.۴. فساد بازتوزیعی و استخراجی

به عقیده برخی پژوهشگران، دولت یا برخی از عوامل دولتی همیشه درگیر فسادند و فساد اساساً یک رابطه خاص دولت و جامعه است. این رابطه مبتنی بر تبادل منافع متقابل است؛ مبادله‌ای که هم دولت (عامل دولت) و هم جامعه (فرد شهروند، مشتری یا تاجر) از آن سود می‌برند. به بیان دیگر، شیوه‌های فاسد جریانی از منابع را از جامعه به دولت (فساد استخراجی، یا

1. Timbul Tampubolon et al, Op.Cit. pp 234.

2. Amundsen, Inge. (1). op.cit. p 7.

۳. فوکویاما، فرانسیس، پیشین، صص ۹۸-۹۹.

شکل فساد در بالا) یا از دولت به جامعه (فساد بازتوزیعی، یا فساد از پایین) ایجاد می‌کند. مطابق نظریه فساد بازتوزیعی، دولت بخش ضعیف‌تر در رابطه دولت و جامعه است و در مقابل، گروه‌های مختلف سازمان‌یافته و قدرتمند هستند که با اقدامات فاسدی که با دولت انجام می‌دهند، بیشتر از دولت و نخبگان حاکم سود می‌برند و از این طریق اقتدار دولتی را از پایین به چالش می‌کشند.^۱ به‌طور مثال، مافیای ایتالیا می‌تواند از طریق تهدید، ارباب و ترورهای هدفمند، نفوذ خود را بر مقامات دولتی و کل سازمان‌های دولتی تحمیل کنند.^۲ در مقابل نظریه «فساد استخراجی»^۳ قرار دارد که در آن دولت بخش قوی‌تری در رابطه دولت و جامعه است. این نظریه عمدتاً در جایی اعمال می‌شود که دولت نه‌فقط قوی‌ترین نیرو در جامعه است، بلکه در جایی که نخبگان حاکم به یک طبقه مسلط و حاکم در کنترل قدرت‌های دولت تبدیل شده‌اند، مصداق می‌یابد.^۴

۴. آشکال عمده و اساسی فساد سیاسی

در این مبحث به آشکال و صور غالب الیگارش‌ی در فساد سیاسی خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است که صور مداخله الیگارش‌ها در نظام‌های سیاسی قطعاً دامنه وسیع‌تری را دربر می‌گیرد؛ اما در این مبحث سه الگوی رفتاری رایج نظام الیگارش‌ی را، که به‌نحو عمده در جوامع مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، به بحث می‌گذاریم.

۴.۱. تسخیر تام حاکمیت یا مغول‌های رسمی^۵

مایکل جانستون^۶ در «سندرم‌های فساد: ثروت، قدرت و دموکراسی» به الگوی خاصی از فساد سیاسی تحت عنوان «مغول‌های رسمی» اشاره می‌کند. به عقیده وی، در جایی که نخبگان دولتی در محیطی از نهادهای بسیار ضعیف، رقابت سیاسی اندک و فرصت‌های اقتصادی در حال گسترش فعالیت می‌کنند، زمینه برای فساد بدون مجازات فراهم می‌شود. در چنین جوامعی فساد شخصیت‌های سیاسی قدرتمند و افراد موردعلاقه آنها غالباً به شکل غارتگرانه تبلور می‌یابد که شامل سوءاستفاده یکجانبه از قدرت سیاسی به‌جای مبادله پیش‌رو بین منافع عمومی و خصوصی

1. Amundsen, Inge. (1). op.cit. pp 6-7.
 2. Amundsen, Inge. (2). op.cit. pp 3-4.
 3. extractive corruption
 4. Ibid. pp 10-11.
 5. Official Mogul
 6. MICHAEL JOHNSTON

است. در این الگو مقامات و سیاستمداران کم‌وبیش به میل خود از طریق فساد ثروتمند می‌شوند و درحالی‌که امپراتوری‌های خود را می‌سازند، وضعیتی شبه‌رسمی پیدا می‌کنند که در این وضعیت منبع قدرت در داخل دولت نیست، بلکه در دست مقاماتی است که از اهرم‌های سیاسی برای استخراج ثروت استفاده می‌کنند. درواقع بسیاری از مغول‌های رسمی در قلمرویی بین دولت و جامعه عمل، و از قدرت و منابعی استفاده می‌کنند که به‌وضوح عمومی و خصوصی نیستند. از طرفی هزینه‌های معافیت از مجازات فساد اداری مغول‌ها به دلیل سوءاستفاده نامحدود از قدرت سیاسی از ویژگی‌های این الگو است. در این الگو ممکن است اشخاصی مانند رؤسای جمهور اندونزی (سوکارنو و سوهارتو) یک شخصیت به‌وضوح مسلط باشد یا مانند چین، مغول‌های متعددی که انحصارات خود را به شیوه‌ای ناهماهنگ‌تر اداره می‌کنند، حضور داشته باشند.^۱

۴.۲. نفوذ و لابی‌گری

منظور از لابی‌گری یا اعمال نفوذ آن است که در شرایطی خاص شخص یا اشخاصی را که بیش از شما قدرت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دارند متقاعد کنید تا از اقدامی که شما خواستار آن هستید از طریق تبدیل دیدگاه شما به یک سیاست و درنهایت تبدیل به یک قانون حمایت کند. عبارت لابی‌گری یا اعمال نفوذ در بدو امر دارای بار منفی است و این برداشت تا حدی به‌جاست، اما ممکن است از نظر اجتماعی کاری مسئولانه باشد تا از این طریق با مجاب‌سازی منصفانه و اخلاقی و اعمال نفوذ مسئولانه بر سیاستمداران منافع عمومی را رقم بزنیم. اما آنجایی که اعمال نفوذ بر اشخاص تصمیم‌ساز در راستای منافع شخصی یا گروه خاصی باشد که درعین‌حال موجب تضییع حقوق بخش عمده‌ای از افراد جامعه یا منافع و مصالح عمومی شود، در این فرض اگر شخص تصمیم‌ساز از جمله کارگزاران سیاسی جامعه باشد با نوع خاصی از فساد سیاسی که دربردارنده گونه منفی لابی‌گری است مواجهیم.^۲ در بررسی تاریخ شکل‌گیری صنعت لابی‌گری می‌توان به لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی با گردش مالی ۱/۳ میلیارد دلاری در سال اشاره کرد که به پایان دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. در حال حاضر نیز حدود شش‌هزار بنگاه لابی‌گری و دست‌کم سی‌هزار لابی‌گر در بروکسل که تقریباً با تعداد کارمندان کمیسیون اروپایی برابری می‌کند مشغول فعالیت‌اند که این امر نشان‌دهنده ارزش قابل‌توجه و فزاینده لابی‌گری

1. Johnston, op.cit. Pp 156-159.

2. Cerqueti & Coppier. Op.Cit.p.4

برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های کلان و تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفع در سطح اتحادیه اروپایی است.^۱ براساس برآوردهای سازمان‌های نظارتی، بنگاه‌های لابی‌گری از طریق ارائه اطلاعات، مشاوره، پیشنهاد و راهکار به نمایندگان پارلمان و کمیسیونرها بر ۷۵ درصد از قوانین مصوب اعمال نفوذ داشته‌اند. استمرار این روند در حال حاضر نگرانی‌هایی به وجود آورده است؛ چراکه منافع و خیر جمعی، قربانی منافع شخصی و گروهی صاحبان قدرت و ثروت شده است، از این رو کمیسیون اروپایی در نوامبر ۲۰۰۵ طرحی را با عنوان «شفافیت اروپایی» در دستور کار خود قرار داد.^۲ بنابراین، در یک چارچوب سیاسی دموکراتیک که مکانیسم‌های نهادینه شده برای حکومت و توزیع کالاهای عمومی از جمله عدالت وجود دارد، ممکن است خطر نفوذ جنایتکاران سازمان‌یافته در این نهادهای دولتی وجود داشته باشد، پدیده‌ای که از آن به عنوان «تسخیر دولت»^۳ توصیف می‌شود که باعث ایجاد سوگیری در طراحی و اجرای سیاست‌ها و همچنین تأثیرگذاری بر وضع قوانین، مقررات و سیاست‌ها می‌شود. برای پیشگیری از آسیب‌های فوق، برخی از کشورها توطئه برای ارتکاب جرم را جرم‌انگاری کرده‌اند و برخی دیگر از کشورها عضویت یا مشارکت در شرکت‌های مجرمانه را جرم می‌دانند. در ایتالیا این دسته از جرایم را جرایم مرتبط یا جرایم مافیایی می‌نامند.^۴

۴.۳. کارتل‌سازی

کارتل^۵ عبارت از سازمانی رسمی متشکل از تولیدکنندگان یک کالا در داخل یک صنعت و انحصار چندجانبه است. هدف کارتل به‌طور کلی تسلط و نظارت بر شرایط فروش، تعیین و تنظیم سیاست مشترک درباره قیمت، تقسیم بازار و تعیین سهمیه تولید برای حداکثر کردن سود خود

۱. دوستی‌زاده، محمدرضا و بهاره مظلوم، مکانیسم لابی‌گری در روند قانون‌گذاری اتحادیه اروپا و لابی‌های قدرتمند آلمان، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سال نهم، ۱۳۹۸، شماره ۳ (پیاپی ۳۳)، صص ۵۳-۸۴.

۲. جوادی، محمود، ایران و لابی‌گری در اتحادیه اروپایی: ظرفیت‌ها و سازوکارها، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، ۱۳۹۳، شماره ۴، صص ۷۲۸-۷۰۳.

3. state capture.

4. Edgardo B and Jan van Dijk. (2003). "Controlling Organized Crime and Corruption in The Public Sector". Forum on Crime and Society, vol. 3, Nos. 1 and 2, December 2003. Pp 2-34.

5. Cartel

است که در نهایت موجب از بین رفتن رقابت در بازار می‌شود.^۱ در متون اقتصادی، ایجاد انحصار همواره به‌عنوان پدیده‌ای مخرب شناخته شده است؛ چراکه انحصار با هدف به حداکثر رساندن سود، منجر به کاهش تولید و افزایش قیمت و در نهایت موجب کاهش رفاه مصرف‌کننده و جامعه به‌عنوان یک کل می‌شود.^۲ در حوزه سیاسی نیز واسیستو^۳ در شکل‌گیری کارتل‌ها در سیاست و وجود سیاست‌مداران ارشد معتقد است که آنها از قبل یک استراتژی خاصی را در مورد چگونگی ایجاد سلسله قدرت خود در نظر داشته‌اند.^۴ از این‌رو در صنعت و تجارت بسیاری از گروه‌های کارتلی جزو رفتارهای غیرقانونی طبقه‌بندی می‌شوند و مشارکت در یک کارتل به‌عنوان یک جرم دارایی همچون سرقت تلقی شده است.^۵ بنابراین در جایی که گروه‌های درهم‌تنیده از سیاست‌مداران ارشد، شخصیت‌های تجاری، بوروکرات‌ها، رهبران نظامی و قومی منافع فاسد را در میان خود به اشتراک می‌گذارند، می‌توانند شبکه‌ها و اتحادیهایی ایجاد کنند که قدرت آنها را مستحکم‌تر و مخالفان را ضعیف‌تر کند، به این دلیل برخی این روند را «بازارهای نفوذ و نفوذ برای اجاره»^۶ نامیده‌اند که مطابق آن تصمیمات برای فروش ارزش دسترسی، حول محور استفاده از ثروت برای به دست آوردن نفوذ در نهادهای سیاسی و اداری است که در آن اغلب سیاست‌مداران دسترسی خود را به اجاره می‌دهند. به‌طور مثال در ژاپن رشوه دادن به سیاست‌مداران «حزب لیبرال دموکراسی»^۷ (LDP) از طرف برندگان قراردادهای کارهای عمومی، سه‌درصد از ارزش کل قرارداد را به همراه داشت. وقتی در نظر بگیریم که در اواسط دهه ۱۹۸۰ هزینه‌های ساخت‌وساز داخلی در ژاپن بالغ بر ۵۳.۶ تریلیون ین در سال بود (حدود ۲۲۵ میلیارد دلار با نرخ ارز فعلی) حجم این فساد بیشتر نمایان می‌شود. در چنین الگویی از فساد گاهاً

۱. جمشیدی رودباری، مستانه، بررسی علل تطابق نیافتن مدل‌های اقتصادی رفتار اوپک در بلندمدت از دیدگاه تحولات بازار نفت و ویژگی‌های این سازمان، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال شانزدهم، ۱۳۸۷، شماره ۴۷، صص ۶۳-۲۵.

۲. گلستانی، شهرام، مجید هاتفی مجومرد و ام‌البنین جلالی، **مدل‌های رهبری قیمت و تبانی در کارتل‌گازی با استفاده از الگوریتم ژنتیک**، فصلنامه اقتصاد محیط زیست و انرژی، سال دوم، ۱۳۹۲، شماره ۶، صص ۱۸۲-۱۵۱.

3. Wasisto

4. Wasisto Raharjo Jati. "Pemilu 2014: Kartelisasi Elite Versus Representasi Publik", Jurnal Ultima Humaniora, 2 .(1), 2014, pp 45-58..

5. Timbul Tampubolon et al ,Op.Cit.p 235.

6. influence for rent, decisions for sale.

7. Liberal Democrat Party.

مشاهده می‌شود که هیئت‌های مدیره بنگاه‌های اقتصادی شبیه نشست و جلسات نمایندگان احزاب مختلف [و حتی جمعی متشکل از اعضای هیئت‌دولت] شده‌اند که حکایت از درگیری و تبانی گسترده آنها دارد.^۱ در همین زمینه می‌توان به پدیده «حزب کارتل»^۲ اشاره کرد. تشکیل کارتل احزاب بر این استدلال استوار است که احزاب می‌توانند از جامعه جدا شود و درعین حال زنده بمانند و شاید حتی پیشرفت کنند. برای هر حزب، وابستگی به کمک‌های دولتی که معمولاً براساس حضور پارلمان توزیع می‌شود، به معنای وابستگی به دسترسی مستمر به منابعی است که اصولاً خارج از کنترل آنهاست؛ بنابراین برنده شدن یا باختن در انتخابات می‌تواند تفاوت زیادی در بقای آن ایجاد کند؛ زیرا منابع برای بقای آنها به‌طور فزاینده‌ای از طریق دولت تأمین می‌شود. تز کارتل‌سازی توضیح می‌دهد که چگونه سیستم‌های حزبی می‌توانند علی‌رغم اینکه احزاب به‌طور فزاینده‌ای از رأی‌دهندگانی که قرار است نماینده آنها باشند، فاصله بگیرند و نسبتاً پایدار باقی بمانند.^۳ به‌طور مثال در اوکراین فرایند تحول و خصوصی‌سازی منجر به ظهور چندین گروه تجاری شد که با کنترل بخش‌های کلیدی اقتصادی، قدرت اقتصادی بیشتری را ایجاد کردند.^۴

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی جوامع، ارتکاب جرایم و مفاسد اقتصادی است که آثار سوء غیرقابل‌انکاری بر نظام اقتصادی وارد ساخته و موجب سلب اعتماد مردم به حاکمیت می‌شود و از جهت دیگر به هدر رفتن سرمایه‌های اجتماعی می‌انجامد. لذا این وظیفه و دغدغه مهم سیاست جنایی و نظام عدالت کیفری است که به‌دنبال تدابیری برای مهندسی، کنترل، مدیریت و پاسخ‌دهی متناسب با این جرایم باشد. پدیده الیگارشی و رفتار مخرب عاملان آن، به جهت از میان بردن نظام اقتصادی، ایجاد فساد سیاسی گسترده، متلاطم ساختن زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و متعاقباً چالش‌های عمده فرهنگی از بارزترین مصادیق جرایم اقتصادی در سطح

1. Johnston, op.cit. Pp 60&89.

2. Cartel party

3. Hopkin, Jonathan. "The Emergence and Convergence of the Cartel Party: Parties, State and Economy in Southern Europe. Department of Political Science and International Studies", University of Birmingham, Edgbaston, Birmingham B15 2TT UK. Paper for presentation at London School of Economics, 30 January 2003. Pp 2-3.

4. Wojciech Konończuk & Denis Cenuşa and Kornely Kakachia. "Oligarchs in Ukraine, Moldova and Georgia as key obstacles to reforms. Research and policy advice project". supported by the Swedish International Development Cooperation Agency (Sida), 24 May 2017. p 7.

کلان و ملی است که جوامع را در تمامی سطوح با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. از این رو پرداختن به این پدیده اجتماعی مخرب و دستیابی به یک سیاست جنایی جامع در مواجهه با آن به جهت گسترش روزافزون این پدیده در تمامی جوامع بین‌المللی امری ضروری است. مطابق چارچوب نظری ارائه‌شده و یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت، نخست با توجه به راهبرد نوین سیاست جنایی در دوره چهارم حیات خود که به سیاست جنایی فرانواگرایانه معروف است، سیاست مطلوب در مواجهه با نظام الیگارش‌ی به جهت ظرفیت بالای جنایی و متعاقباً دامنه ریسک بسیار بالای این دسته از جرایم در ایجاد بستر ارتکاب جرم، اتخاذ راهبردی سیستماتیک و شبکه‌ای است که از یک سو با ایجاد ساختاری نظام‌مند در راستای ایجاد هماهنگی لازم و جلوگیری از موازی‌کاری و رفع تعارض عملکردی نهادهای رسمی متولی مواجهه با جرم و از طرفی فراهم کردن بسترهای مناسب جهت مشارکت حداکثری سازمان‌های مردم نهاد و مشارکت عمومی مردم در قالب یک طرح ملی فراقوه‌ای بسترهای لازم در مواجهه با پدیده الیگارش‌ها فراهم شود. در راستای تحقق این امر مطابق آموزه‌های نظریه فرصت جرم، جرم‌شناسی موقعیت‌مدار و مدیریت ریسک جرم، به جهات مختلفی از جمله رفتار مجرمانه خاص (میزان خطرناکی و ریسک جرم)؛ مرتکب جرم (با لحاظ جایگاه، وضعیت و موقعیت مرتکب جرم) و پیامدهای جرم و دامنه آسیب‌هایی که متوجه آماج جرم می‌شود، جرایم الیگارش‌ها واجد قرار گرفتن در مکانیسم سیاست جنایی افتراقی است. چراکه جایگاه و موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی الیگارش‌ها و رفتار مجرمانه پرخطر با دامنه ریسک بسیار بالا و آماج جرم وسیعی که از سطح منطقه‌ای تا سطح ملی متغیر است، نیازمند افتراقی‌سازی این جرم از سایر جرایم می‌باشیم. با توجه به مراتب فوق لازم و ضروری است که در سیاست جنایی افتراقی تقنینی، قانون‌گذار به جهت وضعیت خاص و دامنه ریسک بالای این جرایم در کنار جرم‌انگاری اختصاصی که معمولاً در مقایسه با سایر جرایم، پیشگیرانه‌تر، سختگیرانه‌تر، بازدارنده‌تر، دقیق‌تر و فنی‌تر است، به جهت آثار متفاوت دامنه آماج این جرایم اقدام به کیفی‌گذاری درجه‌بندی شده (همچون نظام درجه‌بندی جرایم تعزیری) کند.

در حوزه سیاست جنایی قضایی نیز باید متذکر شد، یکی از جلوه‌های ریسک‌مدار در نظام دادرسی کیفری، دادرسی‌های اختصاصی کیفری است. در واقع این‌گونه از دادرسی بر پایه موقعیت و پایگاه اجتماعی متهم سامان‌دهی شده است. بنابراین با توجه به ریسک‌های گوناگون جرم‌شناختی موجود در رفتار این مرتکبان لازم است که دادرسانی متخصص به عنوان اتهامی

آنان رسیدگی کنند. از اقدامات دیگر پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم، برپایی دادرسی‌های فوری، ویژه و موقت است. چراکه الیگارش‌ها از دسته مجرمین دارای خطرناکی بالایی‌اند، این ویژگی سبب می‌شود رسیدگی کیفری معمول نتواند برای چنین بزه‌کارانی موثر باشد. معیار دوم ویژگی ماهیت رفتار مجرمانه است که براساس آن بزه الیگارش‌ها می‌تواند موجب اختلال یا فساد گسترده اقتصادی شود که برای اقتصاد و حتی امنیت ملی تهدید محسوب می‌شود. در موضوع طرح دعوا و تعقیب چنین مجرمانی به‌واقع باید گفت نمی‌توان از ابزارها و روش‌های معمول در سایر جرایم استفاده کرد؛ زیرا الیگارش‌ها عموماً از نفوذی بسیار بالا در ساختار حاکمیت برخوردارند و لذا ممکن است تعقیب آنها صورت نگیرد و در صورت تعقیب و پیش از رسیدن به مرجع قضایی فیصله یابد یا حتی در صورت تعقیب و ارجاع به مراجع قضایی از محکومیت مبرا یا آنکه به مجازات بسیار خفیفی محکوم شوند. گزینش هریک از معیارهای فوق کاربست سازوکارهای افتراقی را توجیه می‌کند.

در نهایت باید متذکر شد، محدود بودن منابع و امکانات نهادهای نظام عدالت کیفری رسمی، میزان کارایی و اثربخشی این نهادها را همواره با تردید مواجه کرده است. از این‌رو امروزه حکومت‌ها راهی جز روی آوردن به سوی نهادهای نیمه‌رسمی یا غیررسمی و غیردولتی ندارند. بدین لحاظ و به منظور رفع نقیصه‌های موجود در نظام‌های رسمی بسیاری از کشورها به تقویت و سازمان‌دهی کاربست‌هایی خارج از نهادهای رسمی در پیشگیری و سرکوب بزه روی آورده‌اند. تجربه نشان داده است که حضور و مداخله نهادهای مشارکتی، نخستین گام در راستای مبارزه با بزه و بزهکاری است. به‌طور مثال، اقامه شهادت شهود در دادگاه، جلوه سنتی و متداول مشارکت مردم در این مرحله به شمار می‌رود که به‌عنوان یکی از ادله مهم اثبات دعوای کیفری می‌تواند دستگاه عدالت کیفری را در جهت کشف واقعیت و اثبات جرم یاری کند؛ زیرا فقدان همکاری برخی شهود که معمولاً به واسطه بی‌تفاوتی محض یا ترس از انتقام علیه خودشان با بستگان نزدیکشان یا به خاطر دلایل اقتصادی در ادای شهادت مرددند، می‌تواند در این زمینه مشکل‌آفرین باشد. برای غلبه بر این مشکل، بسیاری از کشورها قوانینی در جهت حمایت از شهود و تأمین امنیت و منافع آنها تصویب کرده‌اند؛ چراکه برخی دعوای از جمله جرایم الیگارش‌ها بدون همکاری و مشارکت شهود به نتیجه نمی‌رسد. همچنین علنی بودن رسیدگی که امروزه در زمره حقوق دفاعی متهم قرار می‌گیرد، از دیگر مظاهر مشارکت غیرمستقیم مردم

در این مرحله محسوب می‌شود که خود می‌تواند متضمن پیشگیری اختصاصی و جلوگیری از تکرار جرم و همچنین رهاورد پیشگیری عمومی را نیز به همراه داشته باشد.

منابع

کتاب

۱. پرهام، باقر و همکاران، *فرهنگ علوم اجتماعی*، چاپ سوم، تهران: نشر مازیار، ۱۳۹۲.
۲. شایان‌مهر، علیرضا، *دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، جلد ۳، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۰.
۳. شاملو، باقر، *سیاست جنایی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۴۰۳.
۴. فوکویاما، فرانسیس، *نظم و زوال سیاسی*، چاپ پنجم، ترجمه: رحمان قهرمان‌پور، تهران: انتشارات روزنه، ۱۴۰۱.

مقاله

۵. اسماعیلی آذر، غلامرضا، باقر شاملو و کیومرث کلانتری درونکلا، *مخاطرات تکنولوژی‌های نوین بر امنیت اجتماعی با تأکید بر تحولات اخلاقی و ارزشی*، پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، دوره ۴، مهر ۱۴۰۲، شماره ۱۲، صص ۱۵۱-۱۷۶.
۶. آق‌آلار ثالث، سامان، محمدجعفر حبیب‌زاده، محمد فرجی‌ها و محمود صابر، *گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار و رویه قضایی ایران در قبال جرم تحصیل مال از طریق نامشروع؛ با رویکرد تطبیقی بر گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد*، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲، صص ۱-۳۴.
۷. بهشتی، سید صمد، رامین مرادی و محمدناصر پاک‌نژاد، *تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر ادراک فساد اداری (مورد مطالعه: ارباب رجوعان ادارات دولتی شهر یاسوج)*، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هفدهم، ۱۳۹۹، صص ۲۲۳-۲۶۱.

۸. جوادى، محمود، **ایران و لابیگری در اتحادیه اروپایی: ظرفیت‌ها و سازوکارها**، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، ۱۳۹۳، شماره ۴، صص ۷۲۸-۷۰۳.
۹. جمشیدی رودباری، مستانه، **بررسی علل تطابق نیافتن مدل‌های اقتصادی رفتار اوپک در بلندمدت از دیدگاه تحولات بازار نفت و ویژگی‌های این سازمان**، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال شانزدهم، ۱۳۸۷، شماره ۴۷، صص ۶۳-۲۵.
۱۰. حسانی، جلال‌الدین، سیدمحمود میرخلیلی و محمدرضا نظری‌نژاد کیاشی، **مطالعه رهیافت مدیریت ریسک جرم از چشم‌اندازهای فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و حقوق کیفری بین‌المللی**، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره چهاردهم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۳.
۱۱. دوستی زاده، محمدرضا و بهاره مظلوم، **مکانیسم لابی‌گری در روند قانون‌گذاری اتحادیه اروپا و لابی‌های قدرتمند آلمان**، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سال نهم، ۱۳۹۸، شماره ۳ (پیاپی ۳۳)، صص ۵۳-۸۴.
۱۲. شاملو، باقر و مصطفی پاک‌نیت، **افتراقی شدن سیاست کیفری در پرتو پارادایم اثباتی و چالش‌های پیشروی آن در برخورد با رویکردهای نوین**، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱، صص ۲۰۱-۲۲۶.
۱۳. شاهیده، فرهاد و باقر شاملو، **رویکرد پیش‌بینانه به جرائم تروریستی**، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، دوره ۴، ۱۴۰۰، شماره ۱۲.
۱۴. شیعه علی، وحید زارع و مجتبی زارع، **جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران**، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۴ و ۵، صص ۲۸۷-۳۱۰.
۱۵. گلستانی، شهرام، مجید هاتفی مجومرد و ام‌البنین جلالی، **مدل‌های رهبری قیمت و تبانی در کارتل‌گازی با استفاده از الگوریتم ژنتیک**، فصلنامه اقتصاد محیط زیست و انرژی، سال دوم، ۱۳۹۲، شماره ۶، صص ۱۸۲-۱۵۱.

۱۶. کافی، مصطفی، محسن شکرچی‌زاده و احمدرضا توکلی، **سیاست جنایی افتراقی در جرائم غیرعمد مستوجب دیه در پرتو کثرت‌گرایی نظام حقوق کیفری**، مجله حقوق پزشکی، ویژه‌نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰، صص ۷۵-۹۰.
۱۷. مظفری‌نیا، سهراب، امیر ابوعلی و محمود باوی، **سیاست جنایی افتراقی جهت پیشگیری از بزهکاری نوجوانان در جامعه پس از خروج از کانون**، ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، بهمن ۱۴۰۱، شماره ۱۱، صص ۴۵۶۸-۴۵۸۶.
۱۸. میرعباسی، فاطمه، احمد ساعی و علیرضا ازغندی، **سندرم فساد و بوروکراسی شکننده در جوامع در حال گذار**، فصلنامه تحقیقات سیاست راهبردی، دوره ۹، ۲۰۱۹، شماره ۳۴، صص ۲۰۹-۲۴۲.
۱۹. نادری، قائم و مهدی اسماعیلی، **سیاست‌های جنایی مشارکتی**، فصلنامه علمی (مقاله علمی پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۴ (پیاپی ۱۲)، صص ۱۹۰۹-۱۸۹۱.
۲۰. نیازپور، امیر حسن، **رویکرد سیاست جنایی لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی**، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال چهارم، ۱۴۰۱، شماره ۱۱، صص ۲۱۹-۲۴۲.
۲۱. نیازپور، امیرحسن، **پیشگیری از فساد اداری-مالی در پرتو آیین‌نامه پیشگیری و مقابله نظاممند و پایدار با مفاصد اقتصادی در قوه مجریه ۱۳۹۲**، فصلنامه راهبرد، سال ۲۴، ۱۳۹۴، شماره ۷۶، صص ۶۱-۷۸.
۲۲. نیازپور، امیرحسن، **تکالیف جرم‌شناسانه دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی**، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۶، ۱۳۹۱، شماره ۸۰، صص ۱۹۳-۲۲۲.

References

Books

1. Fukuyama, Francis, *Political Order and Political Decay*, 5th edition, translated by: Rahman Kahramanpour, Tehran: Rozeneh Publications, 2022. (in Persian)
2. Gould, Julius & L.Kolb, William, *A dictionary of the social sciences*. Translation by: Parham, Bagher, 3rd edition, Tehran: Maziar Publications, 2013. (in Persian)
3. Johnston, Michael.(2005). *Syndromes of Corruption: Wealth, Power and Democracy*. Cambridge University Press. Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York, see: www.cambridge.org
4. Shamloo, Bagher, *Criminal Policy*, Tehran: Mizan Publications, 2014. (in Persian)
5. Shayan Mehr, Alireza, *Comparative Encyclopaedia of Social Sciences*, Volume 3, Tehran: Kayhan Publications, 2001. (in Persian)

Articles

6. Amundsen, Inge. "Corruption: Definitions and Concepts. Chr". Michelsen Institute Development Studies and Human Rights Introduction DRAFT, 17 January 2000. <https://etico.iiep.unesco.org/en/corruption-definitions-and-concepts>.
7. Amundsen, Inge, "Political Corruption: An Introduction to the Issues". Chr. Michelsen Institute Development Studies and Human Rights. WP 1999: 7, P.O. Box 6033 Postterminalen, N-5892 Bergen, Norway. ISSN 0804-3639. ISBN 82-90584-40-7. see: Web/URL: <http://www.cmi.no>.
8. Beheshti, S S, Moradi, R, & Paknejad, M Nr." Sociological explanation of social factors affecting the perception of administrative corruption (case study: Arbab Rajoan of government offices in Yasouj city)". *Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 17(2), 2019, 261-223. (in Persian)
9. Bosso, Francesco, Maíra Martini, Inaki Albisu Ardigó, "Political Corruption Topic Guide"; Compiled by the Anti-Corruption Helpdesk. TRANSPARENCY INTERNATIONAL 'The global coalition against corruption, 31 October 2014, with support from the European Commission. See https://knowledgehub.transparency.org/assets/uploads/kproducts/Political_corruption_topic_guide_2015.pdf.

10. Cerqueti, R and Coppier, R. "Political Corruption. In: Marciano, A and Ramello", G (ed.) Encyclopedia of Law and Economics New York Springer, 2019, <https://openresearch.lsbu.ac.uk/item/896yz>.
11. Dousti Zadeh, M. R., & Mazloom, B. "Lobbying Mechanism in European Union Legislative Procedure and Germany's powerful lobbies", *International Relations Researches*, 9(3), 53-84. (in Persian)
12. Duc Hanh, Nguyen, "Corruption in The Banking Sector: Experiences, Challenges, Trends, Solutions and Recommendation". Hanoi University for Prosecutors, Viet Nam, 2013, Pp:207-214. https://www.unafei.or.jp/publications/pdf/GG12/32_GG12_Appendix_SR_VietNam2.pdf.
13. Edgardo Buscaglia and Jan van Dijk, "Controlling Organized Crime and Corruption in The Public Sector". Forum on Crime and Society, vol.3, Nos.1 and 2, 2003. Pp 2-34.
14. Esmaeli a, G., shamloo, B., & kalantari, K. "The risks of new technologies on social security with an emphasis on moral and value changes". *Police Criminological Researches*, 4(12), 2023, 151-176. (in Persian)
15. Fjelde, Hanne & Håvard Hegre, "Political Corruption and Institutional Stability", *Studies in Comparative International Development* 49(3), 2014, pp 267-299.
16. Golestani, Sh; Hatfi Mojumard, M and M. Elbinin Jalali, "Price leadership and collusion models in gas cartel using genetic algorithm", *Quarterly Journal of Environmental and Energy Economics*, 2nd year, No. 6, 2012, pp. 151-182. (in Persian)
17. Hassani, J; Mir Khalili, S M & Nazarinejad Kiashi, M R, "Study of crime risk management approach from the perspectives of Imami jurisprudence, Iranian criminal law and international criminal law", *The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 14 rd. Year/NO: 2 Summer 2021/* pp 109- 133. (in Persian)
18. Heidenheimer Arnold J, Michael Johnston, & Victor T. LeVine, " (eds.): Political Corruption". A Handbook. New Brunswick NJ, 1989 (third printing 1993), Transaction Pub.
19. Hopkin, Jonathan, "The Emergence and Convergence of the Cartel Party: Parties, State and Economy in Southern Europe. Department of Political Science and International Studies", University of Birmingham, Edgbaston, Birmingham B15 2TT UK. Paper for presentation at London School of Economics, 30 January 2003 .See: <https://www.researchgate.net/publication/228404571>.

20. Jamshidi Rudbari M. "An Investigation into the Incompatibility of Economic Models of OPEC's Behaviour in the Long-run from the Point of View of the Evolution in the Crude Oil Market and the Basic Features of This Organization". *qjerp* 2008; 16 (47) :25-63
URL: <http://qjerp.ir/article-1-264-fa.html/> (in Persian)
21. Javadi, Mahmoud, "Iran and Lobbying in the European Union: Capacities and Mechanisms", *Foreign Policy Quarterly*, 28th year, Vol. 4, 2013, pp. 703-728. (in Persian)
22. Kafi M, Shekarchizadeh M, Tavakoli A. "Differential criminal policy in unintentional crimes causes blood money in the light of the pluralism of the criminal justice system". *MLJ* 2021; 15 :75-89, URL: <http://ijmedicallaw.ir/article-1-1354-fa.html/> (in Persian)
23. Mirabbasi, F; Sai, A and Azghandi, A, "Corruption syndrome and fragile bureaucracy in transitioning societies", *Strategic Policy Research Quarterly*, 9, No. 34, 2019, pp 209-242. (in Persian)
24. Mozafarinia, S., Alboali, A., & Bavi, M, "Differential criminal policy to prevent juvenile delinquency in society, after leaving the institution with an educational approach", *Political Sociology of Iran*, 5(11), 2023, 4568-4586. (in Persian)
25. Naderi, G., Abbasi, A., & Esmaeili, M, "Participatory criminal policies". *Political Sociology of Iran*, 3(4), 2021, 1891-1909. (in Persian)
26. Niazpour, A, Criminal policy approach of the bill "How to manage conflicts of interest in performing legal duties and providing public services". *The Journal of Modern Research on Administrative Law*, 4(11), 2022, 219-242. (in Persian)
27. Niazpour, A, "Prevention of Corruption in By-Law of Systematic and Permanent Prevention and Reaction against Corruption in the Executive 2014". *Strategy*, 24(3), 2015. (in Persian)
28. Niazpour, Amirhassan, "Criminological tasks of the judicial system in the light of the law of the fifth program of economic, social and cultural development", *Legal Journal of Justice*, 76, No. 80, 2013, pp. 193-222. (in Persian)
29. Shamlou, B., & Pakniat, M, "Differentiation of penal policy in the light of positive paradigm and its confronting challenges", *Comparative Law Review*, 6(1), 201-226. (in Persian)

30. Shieh Ali, A., zare, V., zare, M, "The Situation of Reflexive Participatory Criminal Policy in Penal Prosecution Process in Iranian Law", *Criminal law and Criminology Studies*, 2(no 4&5) 2015, pp. 287-310. (in Persian)
31. Timbul Tampubolon, Tonny & Lele, Gabriel & Kumorotomo, Wahyudi, "Cartel and Political Corruption: Insight from Beef Imports Collusion in Indonesia. Annual Conference of Indonesian Association for Public Administration". *Advances in Economics, Business and Management Research*, volume 122, IAPA 2019, Pp 224-241.
32. Wasisto Raharjo Jati, "Pemilu 2014: Kartelisasi Elite versus Representasi Publik", *Jurnal Ultima Humaniora*, 2 (1), 2014, pp 45-58.
33. Winters, Jeffrey A. and Benjamin I. Page, "Oligarchy in the United States?. Perspectives on Politics", *Vol.7/No.4*, December 2009, Pp 731-753.
34. Wojciech Konończuk & Denis Cenuşa and Kornely Kakachia, "Oligarchs in Ukraine, Moldova and Georgia as key obstacles to reforms. Research and policy advice project". supported by the Swedish International Development Cooperation Agency (Sida), 24 May 2017. https://gip.ge/wp-content/uploads/2017/07/Oligarchs_14-June_FINAL_0.pdf.
35. Zulfan Hakim, M & Jurdi, F, "Immature Politicians and Oligarchy as a Threat to Democracy", *University, Bandarlampung, Lampung, Indonesia*, 11(4), 2017. pp 342-354. (in Persian)
36. Zulfan Hakim, Muhammad & Jurdi, Fajlurrahman, "Immature Politicians and Oligarchy as a Threat to Democracy" .*University, Bandarlampung, Lampung, Indonesia*, 11(4), 2017. pp 342-354.

Site

37. Person of the Year-2022 Winner: Yevgeny Prigozhin
<https://www.occrp.org/en/poy/> (2023/06/14).

The Model of Criminal Policy in Facing Political-Economic Corruption of the Oligarchic System

Bagher Shamloo*
Gholamreza Esmaeili Azar**

Abstract

Oligarchy or the rule of a small group with economic-political power or the power to influence the government has a long history in the fields of economics, law and political science. With their actions, this destructive group imposes widespread corruption on the society by extracting public resources for their own benefit. Researches and statistics of reliable international authorities show that the activities of oligarchs are expanding not only in developing societies but also in advanced societies. Daily news about the embezzlement and arrest of senior provincial and national agents in the country also points out the need to achieve a proportionate criminal policy in the face of this destructive phenomenon. Despite the valuable researches that have been conducted in this field, specific addressing to the issue of oligarchs in democratic structures and appropriate criminal policy has not been given special attention. Therefore, the upcoming research with "descriptive-analytical" method by explaining what, why and how to form the most important patterns of oligarchic system and its relationship with political-economic corruption in democratic structures seeks to provide appropriate criminal policy in facing this phenomenon. The findings indicate that the oligarchic system, due to its complexity and often organized, requires a review of the legislative criminal policy and the adoption of a differential criminal policy at all levels of investigation, prosecution and judicial proceedings, along with the employment of specialized officers and the use of active community criminal policy and Non-Governmental Organization.

Keywords:

Criminal Policy, Oligarchy, Political Corruption, Official Mogul, Cartel Building.

* Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. b_shamloo@sbu.ac.ir

** Ph.D., Faculty of Law, Islamic Azad University: Gorgan Branch, Gorgan, Iran. (Corresponding Author) gh.azari@yahoo.com